



رعایت اصل منع محاکمه و مجازات مجدد در رسیدگی به تخلفات انضباطی نیروهای مسلح؛ الگوی مطلوب^۱

حکیمه فرنام^۲

محمد علی مهدوی ثابت^۳

محمد آشوری^۴

علی صفاری^۵

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۲/۰۸/۱۲ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۴۰۲/۱۰/۱۷

چکیده

امروزه در خصوص اعمال اصل منع محاکمه و مجازات مجدد در حقوق کیفری، مخالفی وجود ندارد. اما آنچه به جهت انجام و اعمال آن در این پژوهش، بدیع محسوب می‌شود اعمال این قاعده و تسری آن به تخلفات اداری و انتظامی است؛ بویژه آن گاه که عمل واحد مرتکب هم زمان عنوان جرم و تخلف داشته باشد. در غالب رسیدگی‌های اداری و انتظامی در ایران نظیر ماده ۱۹ قانون رسیدگی به تخلفات اداری مصوب ۱۳۷۲ برخی از اصول دادرسی منصفانه، بویژه اصل منع محاکمه و مجازات مجدد، نه تنها رعایت نمی‌گردد بلکه در صورتی که رفتار واحد، عنوان جرم و تخلف را داشته باشد از اعتبار امر مختوم جزایی برخوردار نیست و برای هریک از جرایم و تخلفات ارتكابی به ترتیب دادگاه و محکمه اداری مستقل تشکیل گردیده و محاکمه کیفری و اداری انجام می‌شود. اما از سوی دیگر، بررسی برخی قوانین و آیین نامه‌ها در این مقاله بویژه قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح مصوب ۱۳۸۲ به روش تحلیلی - توصیفی، حاکی است این اصل رعایت گردیده است و قانونگذار ضمن تعیین مصادیق تخلف انضباطی صرف و رفع هرگونه ابهام در تشخیص آنها، فقط رسیدگی به آنها را به هیأت‌های انضباطی و یا

^۱ مستخرج از رساله دکتری حقوق جزا و جرم شناسی دانشگاه آزاد اسلامی علوم و تحقیقات تهران با عنوان « اصل منع محاکمه و مجازات مجدد در تخلفات اداری و انتظامی».

^۲ دانشجوی دکتری حقوق جزا و جرم شناسی، دانشکده الهیات حقوق و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

^۳ استادیار گروه حقوق کیفری و جرم شناسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران، (نویسنده مسئول): ali@mahdavi.fr

^۴ استادیار گروه حقوق کیفری و جرم شناسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

^۵ دانشیار گروه حقوق کیفری و جرم شناسی، دانشکده حقوق، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران

مقامات مقرر در قانون، واگذار کرده است. الگوی مطلوبی که در سایر قوانین و مقررات اداری و انتظامی کشور نیز ظرفیت پذیرش را دارد و تبعیت از آن محقق شدن نظام دادرسی حقوق بشر دوستانه را به دنبال خواهد داشت.

کلید واژه‌ها

تخلف انضباطی، قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح ۱۳۸۲، اصل منع محاکمه و مجازات مجدد.

۱- مقدمه

هر حکومت و دولتی برای حفظ استقلال، امنیت و تمامیت ارضی خود نیازمند نیروی مسلح قوی، مقتدر و سازمان یافته است تا بتواند در مقابل تهدیدات امنیت اجتماعی شامل ایجاد فتنه و آشوب، تهدید و ارعاب، تبلیغات سوء دشمنان، ایجاد شبهه در عقاید جوانان، ایجاد تفرقه مذهبی، دخالت دشمنان در امور داخلی کشور، فساد اخلاقی و مالی، تفرقه قومی، قانون شکنی، ناامنی محیط اجتماعی، شیوع مواد مخدر و اعتیاد در جامعه و عدم اشتغال جوانان بایستد. (شایگان، ۱۳۹۲، ۶۵-۳۳) جمهوری اسلامی ایران نیز پس از استقرار، برای تداوم خود و دفع تهدیدات داخلی و خارجی، نیروهای مسلحی از جمله ستاد فرماندهی کل قوا، ارتش جمهوری اسلامی، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، نیروی انتظامی و وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح را دارا می‌باشد.^۱ از سوی دیگر گاهی اعضای نیروهای مسلح که خود حافظ نظم و امنیت داخلی و خارجی کشور هستند، مرتکب جرم و یا تخلف می‌گردند که رسیدگی به آن‌ها ضروری است. جایگاه و وظایف خطیر این نیروها در بدنه نظام، قانونگذار اساسی را واداشته تا در اصل یکصد و هفتاد و دوم، تشکیل دادرها و دادگاه‌های مستقل نظامی را به منظور رسیدگی به جرایم نظامیان مورد تأکید قرار دهد اما رسیدگی به تخلفات انضباطی آن‌ها روند دیگری را طی می‌کند.

اعضای ارتش و سپاه و نیروهای انتظامی و سازمان‌های وابسته به آن‌ها از نظر امور انضباطی برابر ماده ۱۰۱ قانون استخدام ارتش جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۶۶/۷/۷ و ماده ۱۱۰ قانون استخدام سپاه پاسداران انقلاب اسلامی مصوب ۱۳۷۰/۷/۲۱ و ماده ۱۱۸ قانون استخدام نیروی انتظامی مصوب ۱۳۸۲/۱۲/۷ تابع آیین نامه ای بودند که تکالیف انضباطی پرسنل، میزان تشویقات و تنبیهات انضباطی و محدوده اختیارات فرماندهان و مسئولان در زمینه اعمال آن‌ها را در حدود مقرر در قوانین مذکور تعیین

^۱ نیروهای مسلح به استناد بند الف ماده یک قانون تشکیل هیأت‌های انضباطی رسیدگی به شکایات و تخلفات کارکنان نیروهای مسلح مصوب ۱۳۹۵/۱۲/۲۴ مجلس شورای اسلامی، مجموعه ستاد کل نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران، ارتش جمهوری اسلامی ایران، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح، نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران و سازمان‌ها و شرکت‌های تابعه و وابسته به آنهاست.

می‌کرد. آیین نامه مذکور توسط نیروهای سه گانه فوق الذکر تهیه و با تصویب فرماندهی کل قوا به مورد اجرا گذارده شد و پایه و اساس رسیدگی به تخلفات اعضای نظامی و انتظامی بود. در آیین نامه انضباطی هر نیرو، تشریفات رسیدگی به تخلفات انضباطی و اصول و مقرراتی که هیات‌های انضباطی در مقام رسیدگی به تخلفات موظف به رعایت آن بودند و چگونگی و نحوه نظارت دیوان عدالت اداری نسبت به آراء و تصمیمات این هیات‌ها، بیان شده بود. (دلاوری، ۱۳۹۲، ۹) در حال حاضر قانون تشکیل هیات‌های انضباطی رسیدگی به شکایات و تخلفات کارکنان نیروهای مسلح مصوب ۱۳۹۵/۱۲/۲۴ مجلس شورای اسلامی مقررات واحدی را برای کلیه نیروهای مسلح پیش بینی نموده است.

هرچند به نظر می‌رسد رعایت اصول دادرسی عادلانه بویژه اصل منع محاکمه و مجازات مجدد، به رسیدگی‌های کیفری در محاکم قضایی، اختصاص دارد اما مفهوم قلمرو کیفری و معیارهای آن که از دستاوردهای دیوان اروپایی حقوق بشر است امروزه امکان و ضرورت رعایت این اصول در رسیدگی مراجع شبه قضایی یا شبه کیفری را نیز آشکار کرده است. ضرورتی که علاوه بر الگوبرداری از رویه دیوان اروپایی حقوق بشر از روح حاکم بر ماده ۱۴ میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی و نیز کنوانسیون حقوق کودک و کنوانسیون مبارزه با زور افزایی (دوپینگ) که ایران به آن‌ها پیوسته قابل استنباط و نتیجه‌گیری است.

شدت ضمانت اجرا که از معیارهای تشخیص قلمرو کیفری محسوب می‌شود (یوسفی و همکار، ۱۳۹۴، ۴۴-۳۳) در برخی از تنبیهات پیش بینی شده نیروهای مسلح که در ادامه بدان‌ها اشاره خواهد شد، به وفور یافت می‌شود. بنابراین همانطور که برخی محققین به درستی اشاره کرده اند عادلانه بودن دادرسی انضباطی امر مهمی است که نیازمند استانداردهای خاص رسیدگی منطبق با اصول دادرسی عادلانه مستخرج از اسناد حقوق بشری است. (محمدی و همکاران، ۱۴۰۰، ۱۹۱) بررسی مقررات مربوط به تخلفات انضباطی نیروهای مسلح بویژه ماده ۱۳۰ قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح مصوب ۱۳۸۲ و دستورالعمل مرتبط با آن نوید رعایت اصول دادرسی عادلانه بویژه اصل منع محاکمه و مجازات مجدد را می‌دهد. اما سوال اساسی این است که آیا نمی‌توان از الگوی موجود در رسیدگی به تخلفات انضباطی نیروهای مسلح بویژه در قسمت احصاء تخلفات انضباطی صرف، در سایر تخلفات اداری و انتظامی نظیر تخلفات کارکنان دولت مشمول قانون رسیدگی به تخلفات اداری ۱۳۷۲ نیز استفاده کرد؟ پاسخ به این سوال مستلزم بررسی تخلفات و تنبیهات انضباطی نیروهای مسلح از جهت تطبیق با معیارهای تشخیص قلمرو کیفری که منجر به ضروری شدن رعایت اصول دادرسی عادلانه می‌گردد و همچنین بررسی مراجع رسیدگی کننده به آنهاست.

در رابطه با اصل ممنوعیت محاکمه و مجازات مجدد در جرایم کیفری و همچنین مباحث مرتبط با آن نظیر اعتبار امر مختومه و اصل صلاحیت واقعی و اعتبار احکام بیگانه، کتاب‌ها و مقاله‌ها و پایان نامه‌های متعددی به رشته تحریر در آمده است. برخی از آنها عبارتند از:

محمد آبانگاه و محمدعلی مهدوی ثابت و محمد آشوری و محمدعلی اردبیلی در مقاله ای با عنوان « تأثیر متقابل آرای دادگاه‌های کیفری ملی و محاکم کیفری بین‌المللی در پرتو قاعده منع محاکمه و مجازات مجدد» به صورت توصیفی- تحلیلی قاعده مذکور را از منظر مقررات اساسنامه‌های محاکم بین‌المللی با نگاهی به قوانین ایران تحلیل کرده‌اند.

مهدی هداوند و مسلم آقایی طوق در کتاب « دادگاه‌های اختصاصی اداری در پرتو اصول و آیین‌های دادرسی منصفانه (حقوق ایران و مطالعه تطبیقی)»، در خصوص اصل منع محاکمه و مجازات مجدد به عنوان یکی از اصول دادرسی منصفانه به گفتار بسیار کوچکی در توضیح این اصل از دیدگاه حقوق کیفری بسنده نموده و به کارکرد این اصل در حقوق اداری و امکان یا عدم امکان اعمال آن نپرداخته‌اند. سیامک ایرانی کورعباسلو در کتابی با عنوان « بررسی قاعده منع محاکمه مجدد در حقوق کیفری ایران و برخی از اسناد بین‌المللی»، اصل منع محاکمه مجدد در حقوق کیفری ایران و برخی از اسناد بین‌المللی را به صورت تطبیقی بررسی کرده است.

در کتاب « اصول دادرسی عادلانه در رسیدگی به تخلفات اداری » مولف صرفنظر از این که تنها اصل منع مجازات مجدد را آن هم به عنوان یکی از اصول ماهوی دادرسی عادلانه بررسی نموده است، معتقد است با عنایت به ماهیت مستقل حقوق جزا از حقوق اداری و همچنین ضمانت اجرای اداری که از نظر ماهیت و هدف با مجازات‌ها متفاوت هستند، نمی‌توان تنبیهات اداری را نوعی مجازات دانست تا مشمول اصل منع مجازات گردد. (ابراهیمی ۱۳۹۳، ۱۶۰)

علی خالقی و محمدعارف احمدی در مقاله « قاعده منع محاکمه مجدد در نظام حقوقی افغانستان، اسناد بین‌المللی حقوق بشر و فقه حنفی » نوشته‌اند در حقوق افغانستان، مقنن نه تنها تمایلی به محاکمه و مجازات مضاعف متهم ندارد، بلکه در امور غیر کیفری نیز تکرار محاکمه را ناپسند و آن را از موارد ردّ دعوا می‌شمارد. در فقه حنفی نیز محاکمه مجدد مردود است و مبنای پذیرش آن همان مبنای مورد نظر حقوق عرفی است، ولی قلمرو آن منحصر در احکام داخلی نبوده، بلکه شامل احکام دادگاه‌های خارجی نیز می‌گردد.

ون کمپن^۱ در کتاب حقوق کیفری و حقوق بشر علاوه بر این که دامنه اصل منع محاکمه و مجازات مجدد را در حقوق کیفری و مدنی یکسان نمی‌داند به دلایل متعددی مبنی بر ضرورت پذیرش و اجرای این اصل از جمله رعایت آزادی فردی متهم، حمایت از بزهدیده و خانواده وی، تأمین منافع عمومی و حفظ صلح و آرامش، تشویق تحقیقات و تعقیب کارآمد، حمایت از دولت در اجرای عدالت، کاهش خطر محکومیت‌های نادرست و در نهایت ضرورت رعایت انصاف در دادرسی کیفری اشاره می‌کند.

^۱ P.H.P.H.M.C. van Kempen

همچنین در اتحادیه اروپا به عنوان یک اصل کلی حقوقی ثابت شده، مقامات قضایی و اداری ملی توانایی محدودی برای تعقیب یا مجازات یک جرم بیش از یک بار در صورتی که بتوان آن را به عنوان «جرم» توصیف کرد، پس از اولین براءت یا محکومیت دارند. (پی رپاتولو روسی ۲۰۲۱، ۲۷۳-۲۶۶) در خصوص اعمال اصل منع محاکمه و مجازات مجدد در تخلفات اداری و انتظامی مقاله و کتابی یافت نشد.

بعد از بررسی پیشینه اجمالی پژوهش، لازم است به بررسی مبانی نظری پذیرش اصل منع محاکمه و مجازات مجدد در تخلفات انضباطی بپردازیم که در واقع همان مبانی نظری پذیرش اصول دادرسی عادلانه در این گونه تخلفات است.

۲- مبانی نظری

از دهه ۱۹۷۰ به بعد، افزایش میزان ورودی پرونده‌ها به مراجع قضایی، نظام عدالت کیفری اروپا را با پدیده ای تحت عنوان بحران سیاست جنایی مواجه کرد برای خروج از بحران مذکور، برخی عناوین مجرمانه را از قلمرو حقوق کیفری خارج کرده و به قلمرو حقوق اداری، انتظامی، مدنی، انضباطی و ... وارد کرد. در برخی موارد نیز دولت‌ها برای فرار از هزینه‌های اقتصادی رسیدگی‌های کیفری و تشریفات موجود در آن، برخی جرایم را از حقوق کیفری به حقوق اداری- انضباطی منتقل کردند. این در حالی بود که ضمانت اجرای این جرایم همچنان دارای وصف مجازات بود. (افراسیابی و همکار، ۹۴، ۸۳-۶۳) این تحول موجب شد که پرونده‌های مذکور بدون رعایت تشریفات دادرسی عادلانه، در مراجع اداری رسیدگی شوند. دیوان اروپایی حقوق بشر با آگاهی از این تحول و تقلب برخی دولت‌ها نسبت به رعایت استانداردهای دادرسی عادلانه در رسیدگی‌های کیفری، اصطلاح «قلمروهای کیفری»^۱ را در دهه ۸۰ ابداع نمود. امروزه «قلمرو کیفری» با چهار معیار تشخیص توصیف بزه بر اساس قانون داخلی، ماهیت رفتار ارتكابی، هدف ضمانت اجرا و در نهایت ماهیت و شدت میزان ضمانت اجرا شناخته می‌شود. (یوسفی و همکار، ۱۳۹۵، ۸۰۸) بنابراین یکی از مهمترین مبانی نظری ضرورت رعایت اصول دادرسی عادلانه در مورد تخلفات اداری و انتظامی، مبانی حقوق بشری آن است. به عبارت دیگر «رسوخ حقوق بشر در حقوق اداری به سبب تلاقی رابطه مردم با دولت باعث شده تا حقوق اداری ملزم به رعایت قواعدی شود که ریشه در لازم‌الرعایه بودن حقوق شهروندان در اداره دارد.» (خسروی و همکار، ۱۳۹۹، ۱۱)

از سوی دیگر در حوزه حقوق اداری قوانین مختلفی به منظور ایجاد و تقویت نظم و انضباط اداری به تصویب رسیده است. قوانین مذکور باید متضمن قواعدی به منظور تأمین امنیت قضایی کارمندان در

^۱ criminal matters

فرایند دادرسی باشد. بخشی از این رسالت مهم را اصول کلی حقوق کیفری برعهده دارند. این اصول که مقتضای دادرسی عادلانه در جهت احترام به شأن و کرامت انسانی افرادند، در گستره راهبردهای بین المللی مورد توجه سیاستگذار جنایی بین المللی قرار گرفته‌اند و تحت تأثیر الزامات فرائقتینی، ضرورت رعایت آنها از قلمرو حقوق کیفری به قلمرو حقوق اداری نیز تسری یافته است. (مبنای حقوق اساسی) (افراسیابی و همکار، پیشین و حسینی و همکاران، ۱۴۰۰، ۱۷-۱)

همچنین می‌توان مبانی دیگری چون اصل تداوم خدمات عمومی واداری، پاسخ گویی و مسئولیت پذیری، نظارت و حق بر دادخواهی (درویشی و همکار، ۱۳۹۳، ۵۸-۳۳) را نیز برشمرد.

۳- ارزیابی اصل منع محاکمه و مجازات مجدد در مراجع شبه کیفری ایران

بررسی بسیاری از مراجع شبه کیفری در ایران که از جهت کمیت نیز متعدد و متنوع هستند حاکی است اصول دادرسی عادلانه مدنظر میثاق حقوق مدنی و سیاسی و سایر کنوانسیون‌های منطقه ای و بین‌المللی متضمن رعایت این اصول از جمله اصل منع محاکمه و مجازات مجدد نه تنها بطور کامل رعایت نمی‌گردد بلکه در مواردی همچون قانون رسیدگی به تخلفات اداری ۱۳۷۲ که خیل عظیم مستخدمین دولت تحت پوشش آن است، این اصل نقض گردیده است. ماده ۱۹ قانون مذکور مقرر داشته هرگاه تخلف کارمند عنوان یکی از جرایم مندرج در قوانین جزایی را نیز داشته باشد هیات رسیدگی به تخلفات اداری مکلف است مطابق این قانون به تخلف رسیدگی و رای قانونی صادر نماید و مراتب را برای رسیدگی به اصل جرم به مرجع قضایی صالح ارسال دارد. این در حالی است که بررسی تخلفات و تنبیهات مندرج در مواد ۸ و ۹ قانون رسیدگی به تخلفات اداری مصوب ۱۳۷۲ حاکی است این تخلفات برخی به جهت ماهیت رفتار ارتكابی و برخی به لحاظ شدت و میزان ضمانت اجرا در محدوده قلمرو کیفری هستند و بایستی تضمینات یک دادرسی عادلانه درمورد آنها رعایت شود.

علاوه بر قانون مذکور که مستند قانونی هیات‌های بدوی و تجدیدنظر رسیدگی به تخلفات کارکنان دولت است، قوانین صنفی و انتظامی دیگر نظیر قانون سازمان نظام پزشکی، قانون کانون کارشناسان رسمی دادگستری، قانون نظارت بر رفتار قضات و آیین‌نامه‌های برخی از این قوانین، وضعیت مشابهی دارند. هرچند اصل منع محاکمه و مجازات مجدد را به صراحت نقض نکرده‌اند اما به همه اصول دادرسی عادلانه نیز نپرداخته‌اند و همان طور که برخی محققین به درستی اشاره کرده‌اند « برخی از جلوه‌های افتراقی سیاست کیفری در جرائم اداری در بعد شکلی شامل سازمان و صلاحیت کیفری، تشریفات رسیدگی و ادله اثبات است. اما برخی از این جلوه‌های افتراقی شدن مانند پیش بینی مواعد طولانی مرور زمان در تعقیب و صدور حکم، توسعه دامنه شکایت شاکی یا اعلام جرم، تعیین مأموران وزارت اطلاعات به عنوان یکی از ضابطان دادگستری، اجباری بودن اعلام جرم، سرعت و قطعیت در رسیدگی، تقدم اماره مجرمیت بر اصل برائت، تقدم اصل آزادی تحصیل دلیل براصل حفظ حریم خصوصی و تقدم اصل آزادی

تحصیل دلیل بر اصل مشروعیت شیوه تحصیل دلیل، از تحقق اصول و تضمینات دادرسی منصفانه از جمله اصل برائت و نیز از اعمال برخی حقوق دفاعی متهم مانند حق داشتن فرصت و امکانات کافی برای تدارک دفاع و حق محاکمه شدن در زمان متعارف مانع شده است.» (منصورآبادی و همکار، ۱۳۹۹، ۳۳)

این همه در حالی است که بررسی رویکرد عملی و رویه هیئت عمومی و برخی شعب دیوان عدالت اداری به عنوان نهاد نظارتی بر مراجع شبه کیفری کشور، نشان می‌دهد که در آراء صادره، بر رعایت اصول دادرسی عادلانه در فرآیند رسیدگی در مراجع مختلف اداری تأکید شده است. (نکوئی، ۱۴۰۰، ۱۹۱)

اما نگارنده در این مجال به بررسی اصل منع محاکمه و مجازات مجدد در مقررات مربوط به نیروهای مسلح که مهم‌ترین آن قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح مصوب ۱۳۸۲ است پرداخته و به نتایج متفاوتی دست یافته است. قبل از پرداختن به این نتایج لازم است تخلفات و تنبیهات پیش بینی شده برای نیروهای مسلح و مراجع رسیدگی کننده به آنها مختصراً بررسی شود؛ چراکه مبنای پذیرش رعایت اصول دادرسی عادلانه در رسیدگی مراجع شبه کیفری، چنان که پیش تر گفته شد مفهوم قلمرو کیفری است و به اعتقاد نگارنده، از معیارهای چهارگانه قلمرو کیفری، دو مورد در مقررات نیروهای مسلح وجود دارد. ملاحظه تخلفات مقرر شده برای نیروهای مسلح، نشان می‌دهد برخی از تخلفات، واجد عنوان مجرمانه نیز هست و حتی برخی تخلفات انضباطی محض نیز به لحاظ ماهیت، هم سنگ جرایم هستند. (معیار ماهیت عمل ارتكابی) بررسی تنبیهات و از نظر گذراندن آنها نیز نشان می‌دهد میزان و شدت برخی از آنها با معیار شدت ضمانت اجرا منطبق است پس نتیجه این که باید اصول دادرسی عادلانه در رسیدگی به تخلفات نظامیان، رعایت شود. از سوی دیگر به موجب ماده ۱۳۰ قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح و دستورالعمل اجرایی آن، قانونگذار، تخلفات انضباطی محض را از تخلفاتی که عنوان مجرمانه داشتند تفکیک کرده و فقط آنها را در صلاحیت هیات‌های رسیدگی کننده بدوی و تجدیدنظر قرار داده و رسیدگی به تخلفات دارای عنوان مجرمانه را به دادسرا و دادگاه‌های نظامی واگذار نموده و از محاکمه مجدد متخلف و به تبع آن مجازات مجدد وی در دو مرجع قضائی و شبه قضائی جلوگیری کرده است. بنابراین تبیین هرچند مختصر مراجع متعددی که به تخلفات نظامیان رسیدگی می‌کنند نیز ضرورت دارد تا بدانیم اولاً تخلفات، در مقررات این نیروها، بدون تفکیک نیست و ثانیاً مراجع شبه کیفری مربوطه، تنها محاکمه انضباطی انجام می‌دهند و در پرونده تخلفی که حاوی وصف مجرمانه توأمان است، ورود نمی‌کنند. وانگهی چنین تفکیکی در سایر قوانین تخلفات اداری و انتظامی بویژه قانون رسیدگی به تخلفات اداری نیز مطلوب است و اگر قانونگذار تخلفات اداری محض را تفکیک و تنها رسیدگی به آنها را در صلاحیت هیات‌های بدوی و تجدیدنظر قرار دهد به یقین تبعات مبارک متعددی از جمله رعایت اصول دادرسی عادلانه و منصفانه، کاهش اعتراضات واصله به هیات‌های عالی نظارت و دیوان عدالت

اداری و مهم تر از همه ایجاد نظم و عدالت در رسیدگی‌های اداری، در کنار قضا زدائی و جرم زدائی را شاهد خواهیم بود.

۴- تخلفات انتظامی نیروهای مسلح و ضمانت اجرای آن

ماده ۱۱۶ آیین‌نامه انضباطی نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۹۲ تخلفات انضباطی نیروهای مسلح و ماده ۱۱۷ آیین‌نامه مذکور، ضمانت اجرای مربوطه را ذکر نموده است.

۴-۱- تخلفات

به موجب ماده ۱۱۶ آیین‌نامه انضباطی نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۹۲، موارد تخلف نیروهای مسلح که به سبب ارتکاب آن مورد تنبیهات مندرج در ماده ۱۱۷ قرار می‌گیرند، بسیار متنوع و متعدد است.

بررسی تخلفات مذکور حاکی است علاوه بر تنوع و تکرر تخلفات پیش بینی شده برای نظامیان، برخی از تخلفات نظیر افشای اسرار و اسناد نظامی و دولتی و تسلیم آن به افرادی که حق دریافت آن را ندارند، دارای عنوان جزایی نیز هست.^۱ امری که در صورت فقدان مقرر ماده ۱۳۰ قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح مصوب ۱۳۸۲ می‌توانست نظامی متخلف را به سرنوشت کارمند متخلف دچار نموده و در معرض محاکمه و مجازات توأم در مرجع انتظامی و قضائی قرار دهد. به اعتقاد نگارنده، تخلفات دیگر نظیر قصور و تقصیر در حفظ و نگهداری جنگ افزار، تجهیزات، مهمات، قصور و تقصیر و سهل انگاری در به کارگیری توان و امکانات دفاعی جهت انجام مأموریت در مقابل دشمن، قصور در جلوگیری از فرار و از هم پاشیدگی پرسنل جمعی و همچنین جمع آوری پرسنل پراکنده به هنگام رزم، قصور و تقصیر و سهل انگاری در حفظ مواضع و مناطق استحقاقی در مقابل دشمن و اشرار، قاچاقچیان و سارقین مسلح و عوامل ضد انقلاب، به لحاظ ماهوی بر معیار ماهیت رفتار ارتكابی از معیارهای چهارگانه قلمرو کیفری منطبق هستند و رعایت اصول دادرسی عادلانه در آنها نیز ضرورت دارد.

به علاوه، ماهیت برخی دیگر از تخلفات مذکور که فاقد وصف مجرمانه هستند نظیر بدرفتاری نسبت به پرسنل جمعی، رفتار خلاف شئون نظامی، تظاهر به خلاف شرع مبین اسلام، سستی و سهل انگاری در انجام وظیفه و اجرای دستورات در زمینه‌های عملیاتی، سستی و سهل انگاری در مقابله با تبلیغات و عملیات روانی دشمن، کلی و مبهم بوده، اختیار تفسیر و تعیین مصداق را به مقام رسیدگی کننده می‌دهد.

^۱ بندهای الف و ب ماده ۲۴ و ماده ۲۷ قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح ۱۳۸۲..

۴-۲- ضمانت اجراها (تنبیهات)

تنبیهات نیروهای مسلح در ۱۴ بند ازخفیف به شدید در ماده ۱۱۷ آیین‌نامه انضباطی نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۹۲ شامل توبیخ شفاهی، توبیخ کتبی، توبیخ در دستور قسمتی، توبیخ در دستور نیرو یا سازمان، توبیخ در فرمان، خدمت شبانه روزی در قسمت حداکثر تا ۳۰ روز، بازداشت غیر قابل تمدید در بازداشتگاه حداکثر تا ۳۰ روز، کسر از حقوق حداکثر به میزان یک پنجم و حداکثر به مدت ۴ ماه، انتظار خدمت حداکثر تا ۶ ماه، بدون کاری حداکثر تا ۳ ماه، محرومیت از ترفیع به مدت محدود و حداکثر دو سال در زمان صلح و چهار سال در زمان جنگ، تنزیل درجه یا رتبه برای مدت محدود یا دایم، معافیت از خدمت و اخراج از خدمت است.

چنان که مشهود است برخی از این تنبیهات، نظیر مجازات‌ها هستند. اخراج از خدمت با برخی مجازات‌های کیفری از دسته مجازات‌های منع اشتغال به شغل، حرفه یا کار معین برابری می‌کند. کسر از حقوق همانند مجازات جزای نقدی یا جریمه و بازداشت تا ۳۰ روز به مجازات حبس شبیه است و حاوی وصف سرکوبگر و خشن محسوب می‌شود و بدین لحاظ با توجه به معیارمیزان و شدت ضمانت اجرا در قلمرو کیفری، رعایت اصول دادرسی عادلانه را ضروری می‌نماید.

۵- مراجع شبه کیفری رسیدگی کننده به تخلفات نیروهای مسلح

«دادرسی نظامی یکی از دادرسی‌های اختصاصی درنظام حقوقی ایران است که در مقایسه با سایر دادرسی‌های افتراقی از پیشینه و سابقه بیشتری برخوردار است.» (وحدتی موسی پور و همکار، ۱۳۹۷، ۱۰۴) اصل ۱۷۲ قانون اساسی مقرر می‌دارد برای رسیدگی به جرایم مربوط به وظایف خاص نظامی و انتظامی ارتش، ژاندارمری، شهرداری و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، محاکم نظامی مطابق قانون تشکیل می‌گردد. به نظر می‌رسد وظایف خطیر محوله به این نیروها منجر به تاکید قانونگذار برای تشکیل مراجع خاص رسیدگی گردیده است.

به موجب ماده یک قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح مصوب ۱۳۸۲ مجلس شورای اسلامی، دادگاه‌های نظامی به جرائم مربوط به وظائف خاص نظامی و انتظامی کلیه افرادی که در این قانون به اختصار «نظامی» خوانده می‌شوند رسیدگی می‌کنند.^۱

۱ الف- کارکنان ستادکل نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران و سازمان‌های وابسته. ب- کارکنان ارتش جمهوری اسلامی ایران و سازمانهای وابسته. ج- کارکنان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ایران و سازمانهای وابسته و اعضای بسیج سپاه پاسداران انقلاب اسلامی. د- کارکنان وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح و سازمان‌های وابسته. ه- کارکنان مشمول قانون نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران. و- کارکنان وظیفه از تاریخ شروع خدمت تا پایان آن. ز- محصلان موضوع قوانین استخدامی نیروهای مسلح مراکز آموزش نظامی و انتظامی در داخل و خارج از کشور و نیز مراکز آموزش وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح. ح- کسانی که به طور موقت در خدمت نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران هستند و طبق قوانین استخدامی

اما به استناد ماده ۲ قانون تشکیل هیأت‌های انضباطی رسیدگی به شکایات و تخلفات کارکنان نیروهای مسلح برای رسیدگی به تخلفات انضباطی کارکنان شاغل در نیروهای مسلح که برای آنان پیشنهاد تنبیهات انضباطی محرومیت از ترفیع، تنزیل درجه یا رتبه یا عنوان مشابه، معافیت یا اخراج از خدمت می‌شود و همچنین رسیدگی به شکایات کارکنان در امور خدمتی، هیأت‌های بدوی و تجدیدنظر انضباطی کارکنان نیروهای مسلح مطابق این قانون تشکیل می‌گردد و مطابق تبصره همین ماده منظور از تخلفات انضباطی کارکنان، تخلفات انضباطی مذکور در آیین نامه انضباطی نیروهای مسلح و قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲/۱۲/۴ و قانون آیین دادرسی جرائم نیروهای مسلح و دادرسی الکترونیکی مصوب ۱۳۹۳/۷/۸ و قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح مصوب ۱۳۸۲/۱۰/۹ و قانون دیوان عدالت اداری مصوب ۱۳۸۵/۹/۲۵ و مقررات مربوط می‌باشد.

هیأت‌ها به دو دسته بدوی و تجدید نظر تقسیم می‌شوند:

۵-۱- هیأت‌های بدوی و حدود صلاحیت آنها

به موجب ماده ۴ قانون تشکیل هیأت‌های انضباطی، هیأت بدوی حسب مورد در ستادکل، ستاد فرماندهی کل ارتش و نیروهای مربوط، ستاد فرماندهی کل سپاه و نیروهای مربوط و سپاه‌های استانی، نیروی انتظامی، وزارت دفاع، عقیدتی سیاسی، نمایندگی ولی فقیه و حفاظت اطلاعات با اعضای تعیین شده در ماده ۴ مذکور تشکیل می‌گردد. بررسی هیأت‌ها حاکمی است در ترکیب اعضای آن اغلب، معاونین ستادی نیروهای مسلح حضور دارند.

حدود صلاحیت این هیأت‌ها به موجب ماده ۵ این قانون عبارت است از مواردی که منجر به پیشنهاد تنبیهات انضباطی محرومیت از ترفیع، تنزیل درجه یا رتبه یا عنوان مشابه، معافیت یا اخراج از خدمت برای نظامی می‌شود و یا به تعیین وضعیت خدمتی کارکنانی که بر اساس احکام قطعی صادره از مراجع قضائی، بیش از یک سال از خدمت منقصل می‌گردند، تعیین وضعیت خدمتی کارکنان در خصوص بازنشستگی، اعاده به خدمت، استعفا، فقدان توانایی لازم برای انجام وظیفه و یا به مصلحت نبودن ادامه کار و مواردی از این قبیل، تعیین وضعیت خدمتی اعضای ثابت نیروهای مسلح که به موجب احکام قطعی دادگاه‌ها در جرائم عمدی به مجازات‌های محکومیت یا محکومیت‌های (در صورت تعدد) به حبس غیرتعلیقی زائد بر پنج سال، محکومیت به حدود، محکومیت به سبب ارتکاب جرائم علیه امنیت داخلی و خارجی کشور و محکومیت به قصاص نفس یا قطع عضو، از زمان قطعیت حکم از خدمت اخراج می‌گردند

نیروهای مسلح در مدت مزبور از اعضاء نیروهای مسلح محسوب می‌شوند. تبصره ۱ - جرائم نظامی و انتظامی کارکنان مذکور که در سازمان‌های دیگر خدمت می‌کنند در دادگاه‌های نظامی رسیدگی می‌شود. تبصره ۲ - رهایی از خدمت مانع رسیدگی به جرائم زمان اشتغال نمی‌شود.

و یا به جهت عضویت در سازمان‌ها، احزاب و جمعیت‌های سیاسی و مداخله یا شرکت و یا فعالیت در دسته‌بندی‌ها و مناقشه‌های سیاسی و تبلیغات انتخاباتی، ادامه خدمت و یا رهائی شان نیازمند تعیین تکلیف است، تعیین وضعیت خدمتی کارکنان فراری بیش از شش ماه از حیث ادامه خدمت یا راهی‌ای از آن که متخصص مجرب محسوب شوند و یا از بورسیه نیروهای مسلح استفاده نموده و در مرجع قضائی محکوم شده باشند، تعیین وضعیت خدمتی کارکنانی که در حین خدمت اثبات می‌شود از ابتدای استخدام فاقد شرایط عمومی استخدام بوده اند، رسیدگی به تخلفات انضباطی کارکنان هیات علمی موضوع ماده (۳۸) قانون ارتش جمهوری اسلامی ایران و ماده (۲۵) قوانین مقررات استخدامی سپاه و استخدام نیروی انتظامی، اظهارنظر در خصوص برقراری وجوه مندرج در ماده (۱۴) قانون حقوق و مزایای مستمر، پس انداز ثابت، حق بیمه، بیمه درمانی مشمولان قانون ارتش جمهوری اسلامی ایران و ماده (۱۸۷) مکرر قانون مقررات استخدامی سپاه پاسداران و ماده (۱۹۰) قانون استخدامی نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران (ناجا) که برای عائله تحت تکفل کارکنان اخراجی حداقل دارای پانزده سال خدمت مقرر شده است، تعیین وضعیت خدمتی کارکنان پاپور که مرتکب فرار بیش از شش ماه شده و در زمان فرار فوت نموده‌اند.

مداقه در حدود صلاحیت هیأت‌های بدوی و اختیاراخذ تصمیمات مهم نظیر انفصال و اخراج، اولاً بیش از پیش حساسیت و ضرورت رعایت اصول دادرسی عادلانه در این هیأت‌ها را آشکار می‌کند؛ ثانیاً نشان از تاثیر آرای قطعی کیفری بر سرنوشت شغلی نظامیان دارد؛ امری که به جهت حساسیت مناصب و وظایف آنها، قابل درک است.

۵-۲- هیات‌های تجدیدنظر و حدود صلاحیت آنها

هیات تجدیدنظر طبق ماده ۱۵ قانون تشکیل هیأت‌های انضباطی رسیدگی به شکایات و تخلفات کارکنان نیروهای مسلح در ستاد کل با جانشین رئیس ستادکل (رئیس هیأت)، رئیس حفاظت اطلاعات، رئیس اداره عقیدتی سیاسی، رئیس سازمان قضائی، معاون نیروی انسانی، معاون بازرسی و رئیس حقوقی و امور مجلس؛ در ارتش با فرمانده کل (رئیس هیأت)، رئیس حفاظت اطلاعات، رئیس سازمان عقیدتی سیاسی، رئیس سازمان قضائی، معاون نیروی انسانی، معاون بازرسی و رئیس اداره یکم؛ در سپاه با فرمانده کل (رئیس هیأت)، نماینده ولی فقیه، رئیس حفاظت اطلاعات، رئیس سازمان قضائی، معاون بازرسی، معاون حقوقی و معاون نیروی انسانی؛ در وزارت دفاع با وزیر دفاع (رئیس هیأت)، رئیس عقیدتی سیاسی، رئیس حفاظت اطلاعات، رئیس سازمان قضائی، معاون منابع انسانی، رئیس بازرسی و معاون حقوقی و امور مجلس و در نیروی انتظامی با جانشین فرمانده معظم کل قوا (رئیس هیأت)، فرمانده نیروی انتظامی، رئیس عقیدتی سیاسی، رئیس حفاظت اطلاعات، رئیس سازمان قضائی، معاون نیروی انسانی و رئیس بازرسی تشکیل می‌شود.

حدود صلاحیت هیات‌های تجدیدنظر مذکور مطابق ماده ۱۶ قانون تشکیل هیات‌های انضباطی، تجدیدنظر از آراء غیرقطعی هیات‌های بدوی است. جلسات هیات‌ها با حضور دوسوم اعضاء، رسمیت می‌یابد و تصمیمات هیات با رأی اکثریت اعضای حاضر معتبر است. (ماده ۱۹) هیات‌ها برای رسیدگی به اتهام یا اتهامات انتسابی در صورت احراز تخلف یا تخلفات در مورد هر پرونده فقط یکی از تنبیهات مربوط را اعمال می‌کنند. (ماده ۲۰) و طبق تبصره ۲ ماده ۱۰ قانون دیوان عدالت اداری اصلاحی ۱۴۰۲، تصمیمات و آراء دادگاه‌ها و سایر مراجع قضائی دادگستری و نظامی و دادگاه‌های انتظامی قضات دادگستری و نیروهای مسلح قابل شکایت در دیوان عدالت اداری نمی‌باشد و در صورت عدم رعایت اصول دادرسی عادلانه در هیات‌های مذکور و نیز دادرسی و دادگاه نظامی، مرجع تظلم خواهی به جز دادگاه تجدیدنظر نظامی وجود ندارد.

چنان که مشهود است هیات‌های رسیدگی کننده به تخلفات انضباطی نیروهای مسلح متعدد و متنوع هستند. اعضای این هیات‌ها صرفنظر از داشتن درجات عالی نظامی و انتظامی و لشکری، در اختیاراتی که به آن‌ها تفویض گردیده (کاری شبیه قضاوت)، غیر متخصص محسوب می‌شوند و محدوده صلاحیت آنان نیز به نسبت وسیع است که البته امری بدیهی و لازم در ساختار مراجع شبه کیفری است؛ اما از لزوم رعایت اصول دادرسی عادلانه در رسیدگی‌های آنها نمی‌کاهد بلکه به نحو چشمگیر تری بدان می‌افزاید. با تبیین مختصری که نسبت به تخلفات و تنبیهات موجود در مقررات انضباطی نیروهای مسلح و همچنین هیات‌های رسیدگی کننده به آنها و برشمردن صلاحیت‌های هیات‌ها بعمل آمد، ورود مقررات مربوطه در قلمرو کیفری و لزوم رعایت اصول دادرسی عادلانه بویژه اصل منع محاکمه و مجازات مجدد، در رسیدگی‌های انضباطی نظامیان، به اثبات رسید. اکنون باید دید واکنش مقنن نسبت به چنین ضرورتی چه بوده است؟ عنوان بخش بعدی حاکی از تمایز مهمی بین مقررات انضباطی نیروهای مسلح با مقررات انضباطی و انتظامی و اداری سایر مشاغل است.

۶- امتیازات مقررات مرتبط با مجازات جرایم نیروهای مسلح

صرفنظر از تعدد و تکرر تخلفات انضباطی پیش بینی شده برای نظامیان و تنبیهات به نسبت شدیدی که برای آنها در نظر گرفته شده و همچنین تعدد هیات‌های رسیدگی کننده به این تخلفات و نیز تاثیر مستقیم آرای کیفری قطعی صادره از مراجع قضائی بر سرنوشت شغلی فرد نظامی، مقررات مرتبط با این نیروها از امتیازات مهمی به لحاظ رعایت اصول دادرسی عادلانه برخوردار است. از امتیازات مهم قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح مصوب ۱۳۸۲/۱۰/۹، خارج نمودن برخی از مصادیق جرائم خاص نظامی و کاهش صلاحیت رسیدگی محاکم اختصاصی نظامی است. (قضاردائی) برابر ماده ۱۳۰ این قانون اعمالی که به موجب ماده (۳۸) و بند (ج) مواد (۴۲)، (۴۳)، (۴۴)، (۵۱) و (۷۸) این قانون صرفاً تخلف انضباطی محسوب می‌شود، توسط ستاد کل نیروهای مسلح ظرف مدت سه ماه پس از تصویب این قانون، تهیه و

پس از تصویب فرماندهی کل قوا ابلاغ می‌گردد. دستورالعمل اجرایی موضوع ماده ۱۳۰ این قانون در تاریخ ۱۳۸۷/۱۱/۲۳ به تأیید مقام معظم رهبری و فرماندهی کل قوا رسیده است و عناوین تخلفات صرف انتظامی این نیروها در پنج بند به تفصیل شمرده شده است. برابر ماده ۷ این دستورالعمل تشخیص اولیه مصادیق اعمالی که صرفاً تخلف محسوب می‌شود از حیث شمول یا عدم شمول هیأت‌های رسیدگی به تخلفات نظامی به عهده فرمانده، رئیس یا مدیر مستقیم و در صورت ابهام در مرحله دوم به عهده ستاد کل نیروهای مسلح خواهد بود. (دهقان، ۱۳۹۶، ۱۰۸)

۶-۱- خروج جرائم خاص نظامی از صلاحیت محاکم اختصاصی نظامی (قضازدائی)

علیرغم این که برخی محققین معتقدند « معیارهای عام دادرسی عادلانه هم چون رسیدگی دو درجه ای، اصل استقلال و بی طرفی مرجع دادرسی، اصل رسیدگی در مهلت معقول و تدارک فرصت کافی دفاع و حق بر برخورداری از وکیل در هیئت‌های بدوی و تجدید نظر رسیدگی به تخلفات نیروهای مسلح با خدشه جدی روبه روست، (غفوری زاد و همکار، ۱۴۰۱، ۲۸۹) می‌توان ادعا کرد از جمله نوآوری‌های حقوق بشری قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح مصوب ۱۳۸۲/۱۰/۹، خارج نمودن برخی از مصادیق جرائم خاص نظامی و کاهش صلاحیت رسیدگی محاکم اختصاصی نظامی با هدف قضازدایی و کاهش ورودی پرونده‌ها به این محاکم بوده است (دهقان، ۱۳۹۶، ۱۰۸) که می‌تواند ضمن نیل به هدف قضازدائی که فلسفه تأسیس مراجع شبه کیفری بوده است، گام مهمی در پیشگیری از محاکمه و مجازات مجدد مرتکب در هیأت‌های بدوی و تجدیدنظر و پس از آن یا در ضمن آن، در دادسرا و دادگاه نظامی باشد. الگوی مطلوبی که می‌تواند در سایر مقررات انتظامی و اداری نظیر قانون رسیدگی به تخلفات اداری نیز ملاک عمل قانونگذار قرار گیرد و در حقیقت ضمن رعایت اصول دادرسی منصفانه بویژه اصل منع محاکمه و مجازات مجدد، از دادرسی‌های موازی و اتلاف وقت و هزینه‌های هنگفت پیشگیری نماید و رسالت مراجع اختصاصی نیز از جهت بررسی تخصصی تخلف اداری یا صنفی و قضازدائی، به درستی به انجام رسد.

ماده ۱۳۰ قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح مصوب ۱۳۸۲ مقرر داشته در مواردی که هر نظامی در غیر موارد مذکور در ماده (۳۷) این قانون^۱ دستوری را لغو نماید، مواردی که باید به طور انفرادی یا جمعی

^۱ ماده ۳۷ - هر نظامی که اوامر فرماندهان یا رؤسای مربوط را لغو نماید به ترتیب زیر محکوم می‌شود: الف. هرگاه از امر حرکت به طرف دشمن یا محاربان و مفسدان امتناع ورزد، چنانچه حاکی از همکاری با دشمن باشد و یا موجب اختلال در نظام (بهم خوردن امنیت کشور) و یا شکست جبهه اسلام گردد به مجازات محارب و در غیر این صورت به حبس از سه تا پانزده سال. ب. اگر مخالفت با اوامر در ناحیه‌ای است که در آن حالت جنگی یا محدودیت‌های ضروری اعلام شده و آن مخالفت مربوط به امور جنگی یا مقررات حالت محدودیت‌های ضروری باشد در صورتی که عمل او موجب اختلال در نظام (بهم خوردن امنیت کشور) و یا شکست جبهه اسلام باشد به مجازات محارب والا به حبس از دو تا ده سال.

به مأموریت برود عمداً وبدون عذر موجه در وقت مقرر حاضر نگردد در صورتی که صرفاً تخلف انضباطی محسوب شود، مواردی که نگهبان محل نگهبانی خود را بدون مجوز ترک نماید در صورتی که در مقابل دشمن بیم همکاری یا تبانی باشد یا عمل وی موجب اخلال در نظام (بهم خوردن امنیت کشور) و یا شکست جبهه اسلام گردد در صورتی که صرفاً تخلف انضباطی محسوب شود، مواردی که نظامی در حین نگهبانی به طور ارادی بخوابد در صورتی که صرفاً تخلف انضباطی محسوب شود، مواردی که نظامی برای فرار از کار یا انجام وظیفه و یا ارباب و تهدید فرمانده یا رئیس و یا هر مافوق دیگر یا برای تحصیل معافیت از خدمت و یا انتقال به مناطق مناسب تر و یا کسب امتیازات دیگر عمداً به خود صدمه وارد آورد یا تهدید به خودزنی نماید یا به عدم توانائی جسمی یا روحی متعذر شود و بنا به گواهی پزشک نظامی یا پزشکان قانونی تمارض او ثابت گردد و یا در انجام وظایف نظامی بی‌علاقگی خود را در موارد متعدد ظاهر کند به نحوی که در تضعیف سایر نیروهای نظامی مؤثر باشد در صورتی که صرفاً تخلف انضباطی محسوب شود و همچنین مواردی که نظامی به مناسبت انجام وظیفه عمداً گزارشی بر خلاف واقع به فرماندهان یا دیگر مقامات مسؤول تقدیم نماید و یا حقایق را کتمان کند و یا با سوء نیت گزارشی با تغییر ماهیت یا به طور ناقص ارائه دهد و یا عمداً جرائم ارتكابی کارکنان تحت امر خود را به مقامات ذیصلاح گزارش ندهد و یا از گزارش آن جلوگیری نماید یا گزارش ها و جرائم را به موقع اعلام نکند در صورتی که صرفاً تخلف انضباطی محسوب شود، صرفاً تخلف انضباطی محسوب شده و توسط ستاد کل نیروهای مسلح ظرف مدت سه ماه پس از تصویب این قانون تهیه و پس از تصویب فرماندهی کل قوا ابلاغ می‌گردد.

۶-۲- احصاء تخلفات انضباطی محض

امتیاز مهم دیگری که در مقررات مربوط به نیروهای مسلح می‌تواند الگوی مناسبی برای سایر مراجع شبه کیفری بویژه بند یک ماده ۸ قانون رسیدگی به تخلفات اداری^۱ در شناسایی مصادیق رفتار و اعمال خلاف شئون اداری و شغلی باشد، دستورالعمل اجرایی موضوع ماده ۱۳۰ قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح است که در تاریخ ۱۳۸۳/۱۱/۲۷ به تأیید مقام معظم رهبری و فرماندهی کل قوا رسیده است. به موجب این دستورالعمل عناوین تخلفاتی که صرفاً انضباطی محسوب می‌شوند عبارتند از: لغو دستور در موارد مقرر در ماده یک دستورالعمل، عدم حضور به موقع برای عزیمت به مأموریت در موارد مقرر در ماده ۲، ترک محل نگهبانی در موارد مقرر در ماده ۳، خوابیدن ارادی در هنگام نگهبانی در موارد مقرر در ماده ۴، ایراد صدمه به خود، تهدید به خود زنی، تمارض و بی‌علاقگی به خدمت در موارد مقرر در ماده ۵، گزارش خلاف واقع کتمان حقیقت، گزارش با تغییر ماهیت، گزارش ناقص و عدم اعلام به موقع

^۱ اعمال و رفتار خلاف شئون شغلی یا اداری.

گزارش‌ها در مورد اعلامی که جنبه مجرمانه نداشته باشد و یا مقدمه انجام جرم و یا سوء استفاده مالی نباشد و باعث اخلال در وظائف و مأموریت یگان نگردد، هر گاه گزارش خلاف واقع، کتمان حقایق، گزارش با تغییر ماهیت، گزارش ناقص، عدم گزارش جرائم به مقامات ذیصلاح، جلوگیری از گزارش جرائم و عدم اعلام بموقع گزارش‌ها و جرائم ناشی از بی‌مبالاتی و سهل‌انگاری باشد و موجب خسارت عمده و یا جنایت بر اعضاء یا نفس نشده باشد موضوع بندهای یک و دو ماده ۶ دستورالعمل اجرایی.

چنان که مشهود است در این دستور العمل کلیه تخلفات نظامی صرف، احصا شده و ابهامات شناسایی تخلف صرف از تخلفات مشابه جرایم را به حداقل ممکن رسانیده است. رویه مناسبی که الگوبرداری از آن در قانون رسیدگی به تخلفات اداری نیز مطلوب به نظر می‌رسد و می‌تواند بسیاری از ابهامات شناسایی مصادیق تخلف دارای وصف مجرمانه و تخلفات فاقد وصف مجرمانه را مرتفع نماید. در حال حاضر مقنن در ماده ۸ قانون رسیدگی به تخلفات اداری ۱۳۷۲، بدون هیچ گونه تفکیکی تخلفات ۳۸ گانه‌ای را برای کارکنان دولت برشمرده که برخی از آنها دارای وصف جزایی نیز هستند و برخی نیز مشکک و مبهم بوده و علاوه بر این که موجبات تفسیر به رای مقامات رسیدگی کننده را فراهم می‌نمایند، هیچ تکلیفی نیز نسبت به توقف رسیدگی اداری تا تعیین تکلیف در رسیدگی قضائی به رفتار واحد مرتکبی که رفتار وی همزمان واجد وصف مجرمانه و تخلف است، تعیین نگردیده است. این رویه در مقررات اصناف و مشاغل دیگر نظیر پزشکان و وکلای نیز کم و بیش تکرار شده و منجر به رسیدگی‌های موازی در محاکم قضائی و شبه قضائی و محاکمه مجدد متخلف و در صورت رد اعتراض وی به تصمیمات مختلف اداری و قضائی، منجر به مجازات مجدد وی نیز می‌گردد.

البته لازم به ذکر است که روش احصائی، معضلات خاص خود را داشته و به نظر می‌رسد روش تعیین ملاک در این قبیل موارد که مصادیق، متعدد و متنوع هستند، مناسب تر باشد. (سینگلا ۲۰۲۰، ۷۸-۷۳)

ماده ۷ دستورالعمل اجرایی موضوع ماده ۱۳۰ قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح، تشخیص اولیه مصادیق موضوع این دستور العمل (از حیث شمول یا عدم شمول) را حسب مورد به عهده فرمانده، رئیس یا مدیر مستقیم قسمت مربوطه دانسته و در صورت تشکیک فرمانده، رئیس یا مدیر مستقیم از نظر شمول یا عدم شمول عمل ارتكابی با مصادیق دستورالعمل موضوع در اسرع وقت از طریق سلسله مراتب به انعکاس به فرمانده، رئیس یا مدیری که اختیار انعکاس گزارش یا جرائم به مراجع قضائی را دارد محول نموده و در صورتی که فرماندهان یا مسئولین یگان‌های نیروهای مسلح در تشخیص هر یک از مصادیق مذکور در این دستور العمل ابهام داشته باشند و یا مصادیق جدیدی که از نظر اهمیت مشابه مصادیق فوق‌الذکر می‌باشد مورد استعلام واقع شود، پاسخگوئی و رفع ابهام را به عهده ستاد کل نیروهای مسلح گذارده است. بنابراین با نظامیان مشمول قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح در ارتکاب تخلفات صرفاً نظامی با توجه به مواد و جداول مربوط درآئین نامه انضباطی، توسط فرماندهان، رؤساء و مدیران مستقیم

شان برخورد خواهد شد و در دادسرا و دادگاه نظامی محاکمه نمی‌شوند و اصل منع محاکمه و مجازات مجدد به خوبی در حق مرتکب رعایت می‌گردد.

لازم به ذکر است این دستورالعمل استثنائاتی نیز دارد که در ماده ۸ بدان پرداخته شده است:

۱. ارتکاب اعمال مصروحه در ماده ۳۸ و بند «ج» مواد ۴۲-۴۳-۴۴-۵۱-۷۸ قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح در موارد ذیل از موضوع این دستورالعمل خارج می‌باشد.

الف- در صورتیکه مربوط به امور عملیاتی و جنگی باشد.

ب- در صورتیکه در مقابل دشمن، اشرار، مفسدان، قاچاقچیان و یا سارقین و یا افراد خرابکار باشد.

پ- در صورتیکه باعث انفجار، سرقت، خرابکاری و یا موجب آثار زینبار امنیتی و یا صدمات بدنی و یا خسارات عمده مالی شود.

رعایت اصل منع محاکمه و مجازات مجدد، در بند یک ماده ۸ دستورالعمل مذکور نیز قابل توجه است: «اعمالی که در این دستورالعمل ذکر شده در صورتی تخلف صرف محسوب می‌شوند که در قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح و یا سایر قوانین به صراحت جرم شناخته نشده باشند.» به نظر می‌رسد هرچند این مقرر در ذیل مستثنیات دستورالعمل آمده است اما بر موارد مندرج در مواد ۱ تا ۵ دستورالعمل تاکید بیشتری می‌نماید.

۷- نتیجه گیری

در حقوق ایران در صورت صدور حکم کیفری قطعی و یا مجازات نسبت به مرتکب که رفتار او هم زمان دارای وصف انتظامی یا اداری نیز می‌باشد و یا در صورت صدور حکم اداری یا انتظامی قطعی و یا تنبیه نسبت به مرتکب که رفتار او هم زمان دارای وصف کیفری نیز می‌باشد از اعتبار امر مختوم جزایی برخوردار نیست و برای هریک از جرایم و تخلفات ارتكابی به ترتیب دادگاه و محکمه اداری مستقل تشکیل گردیده و محاکمه کیفری و اداری هریک روند خود را طی می‌کند. تنها در مقررات مربوط به نیروهای مسلح، قانونگذار با احصای تخلفات انضباطی نظامی صرف و تفویض اختیار به فرماندهان نظامی و انتظامی در رسیدگی به آنها به نظر می‌رسد به نحوی رعایت اصل منع محاکمه و مجازات مجدد را مد نظر قرار داده است؛ هرچند به نظر می‌رسد این اقدام مقنن بیشتر در راستای کاهش حجم پرونده‌های دادسراها و دادگاه‌های نظامی بوده و دارای ایراداتی نیز هست اما به لحاظ پیشگیری از رسیدگی‌های اداری و کیفری موازی در حق متخلف و ممانعت از محاکمه و مجازات مجدد وی، قابل توجه است.

مراجع شبه کیفری رسیدگی کننده به تخلفات انضباطی نیروهای مسلح متعدد و بر حسب نیروی مربوطه متنوع هستند و خود به دو دسته هیات‌های بدوی و تجدیدنظر و هریک با اعضا و صلاحیت‌های مندرج در قانون تقسیم می‌شوند. بررسی مقررات مربوط به این مراجع نشان داد توجه به اصول دادرسی

عدالانه در مقایسه با مراجع شبه کیفری دیگر نظیر هیات‌های رسیدگی کننده به تخلفات اداری مستخدمین دولت موضوع قانون رسیدگی به تخلفات اداری و آیین نامه آن، در سطح قابل قبول تری قرار دارد و قانونگذار در ماده ۱۳۰ قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح ۱۳۸۲ و دستورالعمل آن مصوب ۱۳۸۳، اصل منع محاکمه و مجازات مجدد را رعایت نموده است. الگویی که تبعیت از آن در مقررات مربوط به سایر مراجع شبه کیفری نیز مطلوب به نظر می‌رسد چراکه با توجه به وجود معیارهای تشخیص قلمرو کیفری بویژه دو معیار ماهیت رفتار ارتكابی و میزان و شدت ضمانت اجرا در اکثر این مراجع، ضرورت و نیز امکان رعایت اصل منع محاکمه و مجازات مجدد احساس می‌شود و همت قانونگذار را در اصلاح و تغییر قوانین این مقوله از جمله ماده ۱۹ قانون رسیدگی به تخلفات اداری مصوب ۱۳۷۲ می‌طلبد. بدیهی است این مطلوبیت آن گاه ارزشمند است که در کنار اصلاح قوانین، اعضای غیر متخصص مراجع شبه کیفری مرتبط با تخلفات انضباطی، تحت آموزش‌های دوره ای و مناسب قرار گیرند و از مجریان قانون غفلت نشود.

منابع

- ۱- آبانگاه، محمد، محمدعلی مهدوی ثابت، محمد آشوری و محمد علی اردبیلی، تأثیر متقابل آرای دادگاه‌های کیفری ملی و محاکم کیفری بین‌المللی در پرتو قاعده منع محاکمه و مجازات مجدد، مطالعات حقوق عمومی، شماره ۴۹، ۱۳۹۸.
- ۲- افراسیابی، علی و عادل ساریخانی، قلمرو کیفری در رسیدگی‌های انضباطی پلیس ایران. پژوهش حقوق کیفری، شماره ۱۱، ۱۳۹۴.
- ۳- ابراهیمی، سید فتاح، «اصول دادرسی عدالانه در رسیدگی به تخلفات اداری»، تهران: موسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش، ۱۳۹۳.
- ۴- ایرانی کورعباسلو، سیامک، بررسی قاعده منع محاکمه مجدد در حقوق کیفری ایران و برخی از اسناد بین‌المللی. چاپ اول. تهران: شاپرک سرخ، ۱۳۹۵.
- ۵- حسینی، سیدحسین وسیده ساعده حسینی و زهرا صالح آبادی، ضرورت رعایت اصول کلی حقوق کیفری در رسیدگی به تخلفات اداری، فصلنامه دانش حقوق عمومی، شماره ۳۲، ۱۴۰۰.
- ۶- خالقی، علی و محمدعارف احمدی، قاعده منع محاکمه مجدد در نظام حقوقی افغانستان، اسناد بین‌المللی حقوق بشر و فقه حنفی، مطالعات حقوق کیفری و جرم‌شناسی، شماره ۳، دوره ۱، ۱۳۹۵.
- ۷- خسروی، حسن و محمدجواد حسینی، سرآغازی بر حقوق بشر اداری، پژوهش‌های نوین حقوق اداری، شماره ۵، ۱۳۹۹.
- ۸- درویشی، بابک و امیرعلی زینالی اقدم، ماهیت ضمانت اجراهای اداری در نظام حقوقی ایران، نشریه تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین‌الملل، شماره ۲۵، ۱۳۹۳.

۹- دلآوری، محمدرضا. «تحلیل حقوقی هیات‌های انضباطی نیروهای مسلح و نظارت قضایی بر آنها». پایان نامه کارشناسی ارشد حقوق عمومی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی: دانشگاه تهران، ۱۳۹۲.

۱۰- دهقان، فرشید. «مراجع شبه کیفری ایران در سنجه اصول قلمرو کیفری». رساله دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق: دانشگاه قم، ۱۳۹۶.

۱۱- شایگان، فریبا، تهدیدات امنیت اجتماعی از دیدگاه مقام معظم رهبری. علوم انسانی اسلامی، شماره ۲، ۱۳۹۲.

۱۲- غفوری زاد، مهدی و علی رادان جلیلی، آسیب‌شناسی دادرسی در مراجع انضباطی نیروهای مسلح در پرتو معیارهای عام دادرسی منصفانه، پژوهش‌های نوین حقوق اداری، شماره ۱۳، ۱۴۰۱.

۱۳- منصورآبادی، عباس و شهناز اسدی نیا، جلوه‌های دادرسی افتراقی جرائم اداری (در پرتو اصول دادرسی منصفانه)، پژوهش‌های نوین حقوق اداری، شماره ۵، ۱۳۹۹.

۱۴- محمدی، مختار، محمد راسخ و اسدالله یآوری، مطالعه تطبیقی رسیدگی به تخلفات اداری کارمندان در ایران وانگلستان از منظر اصول دادرسی عادلانه، فصلنامه حقوق اداری، شماره ۲۷، ۱۴۰۰.

۱۵- نکوئی، محمد، آسیب‌شناسی آراء هیات‌های رسیدگی به تخلفات اداری کارمندان از منظر اصول دادرسی عادلانه (با تأکید بر آرای دیوان عدالت اداری)، پژوهش‌های نوین حقوق اداری، شماره ۹، ۱۴۰۰.

۱۶- هداوند، مهدی و مسلم آقایی طوق، «دادگاه‌های اختصاصی اداری در پرتو اصول و آیین‌های دادرسی منصفانه (حقوق ایران و مطالعه تطبیقی)»، تهران: انتشارات خرسندی، ۱۳۹۶.

۱۷- وحدتی موسی پور، مهدی و بزرگعلی نوری، دادرسی منصفانه در رسیدگی به جرایم نیروهای مسلح (با تأکید بر نقش پلیس جمهوری اسلامی ایران)، دانش انتظامی همدان، شماره ۱۹، ۱۳۹۷.

۱۸- یوسفی، محمدرضا و محمدعلی مهدوی ثابت، بررسی قلمرو کیفری در ضمانت اجرای انفصال از خدمت در نظام حقوقی ایران، دانشنامه حقوق و سیاست، شماره ۲۵، ۱۳۹۴.

۱۹- یوسفی، محمدرضا. مهدوی ثابت، محمدعلی. بررسی تطبیقی قلمرو کیفری در تخلفات رانندگی در نظام حقوقی ایران و رویه دیوان اروپایی حقوق بشر. مطالعات حقوق تطبیقی. دوره هفتم. شماره ۲، ۱۳۹۵.

20- van Kempfen, P.H.P.H.M.C., Criminal Law and Human Rights. Radboud University Nijmegen, The Netherlands, 2014.

21- Pierpaolo Rossi, Maccanico, A Reasoned Approach to Prohibiting the Bis in Idem Between the Double and the Triple Identities, THE EUROPEAN CRIMINAL LAW ASSOCIATIONS' FORUM 4, 2021.

22- SINGLA, SATYAM, Administrative Law and Principle of Fair Hearing. International Journal of Legal Science and Innovation, [Vol. 2 Iss 1], 2020.